

سروری بر شرح زندگی شیخ مرتضیٰ انصاری

منوچهر سلمان پور

شیخ مرتضیٰ انصاری از سرآمدان فقها و علمای عالم تشیع محسوب است و از جمله کسانی می‌باشد که در دقت و عمق نظر کم‌نظیرند به شأنی که او را "شیخ اعظم" و "خاتم الفقهاء و الْمُجْتَهِدِین" و "أستاذ المتأخرین" و "مجتهد مطلق" نام نهاده‌اند. (۱) در ذکر احوال و خدمات فائده این عالم نحیر اشاره به مواضع ذیل می‌گردد:

عائله شیخ مرتضیٰ و مسقط الرأس او.

مدارج تحصیلات اولیه و عالیه در ایران و عراق.

مرجعیت تقلید شیعه در جهان و نحوه وصول شیخ انصاری بدین مقام.

استادان و شاگردان برازنده شیخ مرتضیٰ.

کتب و رسائل و تألیفات گوناگون شیخ مرتضیٰ.

اشاره به بعضی از کمالات و صفات حمیده شیخ مرتضیٰ.

ارتباط شیخ مرتضیٰ با امر بهائی.

وفات شیخ مرتضیٰ و محل دفن او.

اشاره به کتب و حواشی که درباره تألیفات مهمه شیخ مرتضیٰ نگاشته شده است.

نسب و محل تولد شیخ مرتضیٰ انصاری

شیخ مرتضیٰ فرزند شیخ محمد امین انصاری است و نسبت این عائله به جابر بن عبدالله انصاری می‌رسد که یکی از صحابه معروف رسول اکرم بوده و در سن ۹۴ سالگی در سال ۷۴ و یا ۷۶ قمری وفات نموده است. (۲) شیخ مرتضیٰ در سال ۱۲۱۴ قمری در شهر دزفول در استان خوزستان متولد شد. والده‌اش حکایت می‌کند که روزی در عالم رؤیا حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را زیارت نمود و آن حضرت نسخه‌ای از قرآن مجید به وی عنایت فرمودند. شوهرش تعبیر خواب را چنین توصیف کرد که خداوند پسری به او عطا خواهد فرمود.

تحصیلات اوّلیّه و عالیّه شیخ مرتضی

شیخ مرتضی تحصیلات اوّلیّه را نزد پدر در خانه آغاز نمود و در پنج سالگی به قرائت قرآن کریم توفیق یافت و سپس به تحصیل صرف و نحو زبان عربی و علوم منطق و معانی و بیان پرداخت و در سال ۱۲۳۲ ه. ق. به همراهی والد خود به کربلا سفر نمود تا در حوزه درس فقیه شهیر سید مجاهد و شیخ شریف العلماء حضور یابد و تا سال ۱۲۳۶ ه. ق. در کربلا بماند و بعد از تکمیل مدارج تحصیل به زادگاه خود بازگشت و دو سال به تدریس و تعلیم پرداخت و در اثر شوق فراوانی که به ادامه تحصیل داشت بار دیگر به کشور عراق مراجعت نمود و در نجف اشرف مدت دو سال در حوزه درس شیخ موسی کاشف الغطاء که یکی از فقهای معروف بود به تلمذ مشغول شد و در سال ۱۲۳۹ ه. ق. به دزفول بازگشت و چون علاقه شدید به کسب علم و فضیلت داشت به کاشان شتافت تا از محضر درس ملا احمد نراقی مستفید گردد و در حدود چهار سال در کاشان رحل اقامت افکند. ملا احمد به کرات شیخ مرتضی را مورد تحسین و تمجید قرار داده می‌گفت: "لَقَدْ شَاهَدْتُ فِي جَمِيعِ اسْفَارِي اَكْثَرَ مِنْ خَمْسِينَ مُجْتَهِدًا مُسَلِّمًا الاجْتِهَادِ وَلَمْ اَرْ اَحَدًا مِنْهُمْ كَالشَّيْخِ الانصَارِيِّ فِي عَزَاةِ عِلْمِهِ وَكَثْرَةِ فَضْلِهِ وَ طَوْلِ بَاعِهِ." (۳) بعد از کاشان راهی اصفهان شد و ایام معدودی در مجلس درس سید محمد باقر رشتی ملقب به حجت الاسلام شفتی حاضر شد و سپس به دزفول مراجعت نمود و به تدریس مشغول گشت ولیکن در سال ۱۲۴۹ هجری قمری قصد کربلا کرد تا در حوزه درس شیخ موسی کاشف الغطاء حاضر شود. شیخ موسی آشکارا می‌گفت: "انّ الشَّيْخَ الانصَارِيَّ مُسْتَعْنٍ عَن دَرَسِنَا" (۴) و مدت کوتاهی نیز تيمناً و تبرّكاً در مجلس شیخ محمد حسن نجفی صاحب الجواهر حاضر شد در حالی که خود در آن اثناء، مجلس درس مستقلی برپا نموده بود.

شیخ مرتضی با دقت نظر و نباهت فکر و مقدرت علمی مدارج فقه و اصول و صرف و نحو را در عنفوان شباب طی نمود و به چنان ذروه کمال ارتقاء یافت که مورد تقدیر و تحسین وضع و شریف قرار گرفت. مثلاً در زمانی که به سن بیست بالغ نگردیده بود روزی در مجلس درس عالم نحیر و فقیه کبیر سید مجاهد حاضر بود که آن فاضل جلیل القدر با اظهار دلایل کافیّه اثبات می‌نمود در غیاب امام عصر، برگزاری نماز جمعه مجاز نیست. در این اثناء شیخ مرتضی در وجوب اقامه صلوات در ایام جمعه، ادله قویّه بیان داشت بشأنی که سید مجاهد با استماع بیانات شیخ مرتضی قانع شد و رأی خود را در این مسئله تغییر داد ولی شیخ مرتضی بار دیگر رشته سخن را بدست گرفت و با بیانی متین و تبیانی عمیق و رصین حرمت برگزاری صلوات جمعه را در غیاب امام معصوم قطعاً ثابت نمود و این امر موجب حیرت و اعجاب و احترام بیشتر سید مجاهد نسبت به او شد.

مرجع عالی تقلید شیعه در جهان

در شرع اسلام، اصول حدود و قوانین الهی در کتاب قرآن مجید نازل گشته و نحوه اجرای احکام در دوران حیات حضرت محمد بر طبق روش و سیرت آن بزرگوار پایه‌گذاری شد و پس از افول شمس محمدی، رویّه رسول اکرم مبتنی بر مبانی احادیث قدسی و نبوی

در بین مسلمین تبعیت می‌شد و با آنکه حضرت محمد فرموده بود که من کتاب و اهل بیت خود را به شما می‌سپارم ولی با گذشت زمان و بروز انشقاق و اختلاف در شمل مؤمنین، شعب و مذاهب متعدده در شریعت محمدی ظاهر و پدیدار گشت. گروهی پیرو علی بن ابیطالب و اهل بیت رسول اکرم شدند و گروهی متابعت خلفای راشدین نمودند و به اهل سنت و جماعت معروف گشتند. در اثر این جدائی، نحوه اجرای وظائف دینی نیز فیمابین مسلمین مختلف و متفاوت شد. پیروان علی بن ابی طالب در اطاعت و انقیاد بلاشروط از امیرالمؤمنین و هدایت‌های ائمه اطهار پافشاری نمودند و اهل سنت به علما و فقهای دین گرویدند و به احادیث قدسی و نبوی و سائر احادیث منقوله از اصحاب حضرت رسول اکتفا کردند. شیعیان که گوش به فرمان ائمه اطهار داشتند پس از رحلت امام حسن عسکری در هدایت و رعایت حال پیروان دین دچار تشویش و اضطراب گردیدند زیرا رکن رکین عترت محمدی در میان نبود و به ناچار هر یک در مناطق مسکونی خویش به موجب آراء و نظریات مجتهدین محلی رفتار می‌نمودند. این روش بالمآل موجب ظهور و بروز اختلاف نظر در مناطق متعدده گردید. با گذشت زمان اندک اندک مسئله مقام و رتبه علم و فقه دین و اولویت و امثلیت در بین علما و فقها مورد نظر واقع گشت و تبعیت از علو علم و فضل و تقوای فقها و پیشوایان دین صورت عمل به خود گرفت ولی پایه و نظام کلی از برای گزیدن مرجع و مقتدای اعلیٰ روشن و واضح نبود. گهگاه اگر اکثریت علماء شیعه در حوزه‌های علمیّه کربلا و نجف و ایران به رتبه اعلای علم و ورع یکی از فقهای دین اذعان می‌نمودند و به تعظیم و تکریم او می‌پرداختند، عامه ناس نیز به آراء و فتاوی آن فقیه کبیر اقتدا می‌کردند. (۵) قبل از دوران شیخ مرتضی مرجع تقلید عموم در شکل و معنی کنونی وجود نداشت تا آنکه شیخ مرتضی پایه و اساس متینی را در گزینش مرجع تقلید عالم تشیع ترتیب داد و نظریه صائبش مورد قبول و تأیید قاطبه علماء و فقهاء شیعه واقع گشت و تا به امروز به موجب آن عمل می‌گردد. عقاید شیخ انصاری در زمینه مرجعیت متکی بر مواضع ذیل است:

۱- اجماع علماء در شرح و تفصیل مسائل فقهی و وظائف شرعی، بنیه شرع را تقویت و تحکیم می‌نماید.

۲- لازمه ایجاد اتفاق رأی در بین فقها، پیدایش مرجع عالی تقلید در عالم تشیع است.

۳- اَعْلَمِيَّتْ اَسْ اساس و رکن اعظم از برای انتخاب مرجع شرعی است و حداقل دو عالم حقیقی باید به مقام علمی مرجعیت اذعان نمایند.

شیخ مرتضی انصاری نخستین شخصی است که جمیع علماء و فقهاء شیعه بر اَعْلَمِيَّتْ و اَمْتَلِيَّتْش اتفاق نظر داشتند و سید مجاهد و سعیدالعلماء مازندرانی و شیخ علی کاشف الغطاء و ملااحمد نراقی کل به عملیت او شهادت داده‌اند و بدین ترتیب در حالی که ۵۲ سال بیش از عمرش نمی‌گذشت مدت ۱۵ سال یعنی از ۱۲۶۶ تا ۱۲۸۱ قمری که وفات نمود مرجع عالی تقلید اهل تشیع شناخته شد و امور شرعی شیعیان را در سراسر جهان به عهده گرفت و حوزه علمیّه نجف اشرف را نیز اداره نمود.

استادان و شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری

از جمله استادان معروف شیخ مرتضی بعد از پدرش، نفوس مفصله‌الاسامی ذیل را می‌توان نام برد:

۱- شیخ حسین انصاری، عموی شیخ مرتضی، که نزد او مقدمات و سطوح را تعلیم گرفت.

۲- سید محمد مجاهد فرزند سید علی طباطبائی مؤلف کتاب "الریاض".

۳- شریف العلماء مازندرانی که در مجلس درس او قریب به هزار طلبه کسب علم می‌نمودند.

۴- موسی کاشف الغطاء ابن شیخ جعفر مؤلف کتاب "کشف الغطاء".

۵- ملا احمد نراقی ابن ملا مهدی نراقی که از شاگردان شیخ جعفر کبیر ملقب به کاشف الغطاء و سید مهدی بحر العلوم بوده است.

۶- شیخ علی کاشف الغطاء برادر شیخ موسی کاشف الغطاء.

اما علماء و مجتهدین بزرگواری که در محضر شیخ مرتضی تلمذ اختیار نموده‌اند بالغ بر سیصد نفر می‌باشند که معروف‌ترین آنها عبارتند از:

۱- آقا محمد فرزند ملا احمد و معروف به فاضل قائنی که پس از کسب رتبه اجتهاد از شیخ مرتضی، در بغداد به محضر انور جمال قدم جلّ اسمه الاعظم مشول یافت و به شرف ایمان آئین حضرت ذوالجلال مشرف گشت و به نبیل اکبر ملقب شد. (لازم به تذکر است که نام فاضل قائنی در کتب رسمی عالم تشیع دیده نمی‌شود).

۲- میرزا محمد حسن شیرازی معروف به مجدد صاحب فتوای معروف "حرمت تنباکو".

۳- میرزا حبیب الله رشتی از محققین نامدار و مؤلف کتاب "بدائع الافکار".

۴- میرزا محمد حسن آشتیانی مؤلف کتاب "بحر الفوائد".

۵- سید حسین کوه کمبری موسوم به "ترک".

۶- شیخ آقا حسن نجم‌آبادی.

۷- حاج میرزا حسین میرزا خلیل.

۸- سید علی شوشتری.

۹- شیخ جعفر التستری.

۱۰- شیخ محمد حسن ممقانی.

۱۱- ملا محمد کاظم خراسانی مؤلف کتاب "الکفایت".

۱۲- شیخ هادی طهرانی.

۱۳- شیخ محمد طه نجف مؤلف کتاب "انقائ المقال فی علم الرجال".

۱۴- فاضل شریانی.

۱۵- آخوند ملا حسین قلی همدانی.

۱۶- میرزا نصرالله فارسی مدرّس در روضة‌الرضویة.

خصائل حمیده و سجایای فاضله شیخ مرتضی

از جمله صفات بارزه و سجایای فاضله شیخ مرتضی خضوع و خشوع و ورع و تقوای اوست که گر چه بر مسند ریاست و مرجعیت جهان شیعه جالس بود، ولی هرگز لسان به فخر و مباهات نگشود و با آنکه سیل خمس و زکات و اموال کثیره باهضمه از انحاء مختلفه عالم به سوی او ساری و منهمر بود ولی در کمال فقر و استغناء زندگی می نمود و هیچگاه دخل و تصرفی در آن اموال شرع الهی روا نمی داشت. گویند والدهاش که از برای رفع حوائج ساده زندگی نگران بود روزی به وی مراجعه نمود و زبان به شکوه گشود و طلب کمک و مساعدت کرد. شیخ مرتضی که همواره نسبت به والده احترام و رعایت مخصوصی روا می داشت، کلید درب انبار را به وی تسلیم نمود و اظهار داشت که تو میدانی در یوم آخرت مسئولیت تصرف در اموال مسلمین را خود باید برعهده بگیری. مادر با این وضع از خواهش خود منصرف شد و نیز گفته شده است که هنگام مرگ فقط ۱۷ تومان ایرانی در اختیار داشت در حالیکه ۱۷ تومان نیز مقروض بود و بدین ترتیب عائله اش قادر به برگزاری مجلس عزایش نبودند و بالاخره یکی از اعیان بغداد قیام نمود و شش روز تمام مراسم مزبور را بپا داشت. (۶)

یکی دیگر از صفات ممیزه شیخ مرتضی آن بود که در امور جزئی و کلی عدل و انصاف را مد نظر داشت و همواره به این صفت پسندیده عامل بود. مثلاً پس از وفات صاحب جواهر عامه ناس از برای تقلید به دور شیخ مرتضی انصاری گرد آمدند ولی او تأکید نمود که باید اقتدا به اعلم کنند و اضافه نمود که در گذشته ایام در مجلس درس شریف العلماء در کربلا یکی از طلاب به نام سعید العلماء شرکت می نمود که به نظر من او اعلم است و شما باید از او تبعیت نمایید و خود نامه ای به سعید العلماء نگاشت و بیان نمود که پس از مرحوم صاحب الجواهر مردم نزد من آمده و قصد تقلید دارند و من ابناء و امتناع نموده ام زیرا باید به تقلید شخص اعلم پردازند و من می دانم که شما اعلم و اقدمید. سعید العلماء در جواب اظهار داشت که گر چه من در ایام گذشته در مدارج تعلیم و تدریس در آنجا (کربلا) داناتر و دقیق تر بودم ولی اکنون شما در نتیجه استمرار در تعلیم و تألیف و تصنیف کتب و رسائل اقدم و اعلمید بنابراین پیشوایی و قیادت و مرجعیت راجع به شماست و مردم باید از شما تقلید نمایند. (۷)

شیخ مرتضی ید طولانی در کرامت و رعایت حال فقرا و محتاجین داشت و به کمال رأفت و مهربانی با آنان رفتار می نمود. اعانات مالی و مادی را شخصاً بی آنکه احدی از حقیقت آن آگاه گردد به جهت محتاجین و مستمندان گسیل می داشت. پس از وفات وی پرده از همت والا و مراتب لطف و عطوفت و مروّتش برداشته شد و واضح و معلوم گشت چگونه در این سبیل سعی موفور مبذول می داشته و دست کرم می گشوده است در حالی که اکثر علماء و رؤسای ادیان، وجهه همتشان در جمع مال و منصب و مدارج شهوت و اهواء نفسیه زبانزد خاص و عام است.

مولوی چه زیبا سروده:

او نیکی را ز نیکوان نستاند

رو نیکی کن که دهر نیکی داند

به راستی اعمال و رفتار شیخ مرتضی نمونه بارزی از فضائل و کمالات حسنه‌ای بود که امام حسن عسکری از برای فقهای نیکوکار شایسته و سزاوار می‌پنداشت، می‌فرماید: *قَامَا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِعًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ*^(۸)

عجب نباشد که حضرت مولی‌الوری جلّ ثنائه همین حدیث را در رساله مدنیّه ذکر فرموده و مدلول آن را از اصول لازمه مسلّمه از برای انتخاب نمایندگان و انتساب مسئولین و رؤساء و حکام و اصحاب مناصب در ممالک و دیار تعیین فرموده‌اند.

اما در زمینه تقدیر و تحسین از مناقب و خصائل بارزه و صفات ممتازه شیخ به ذکر یکی دو شاهد از فضلاء و فقهاء اکتفا می‌نماید. میرزای مجدّد شیرازی که بعد از وی به مقام مرجعیت عالم تشیّع ارتقاء یافت در نعت و ستایش او می‌گوید: *“لَا تُرِيدُ أَنْ تَقُولَ إِنَّ الشَّيْخَ لَمْ يَكُنْ لَهُ تَطَيُّرٌ فِي الزُّهْدِ وَالْعِلْمِ وَالرِّئَاسَةِ وَلَكِنْ مِنَ الْمَسْلَمِ أَنَّهُ مُنْذُ بَدَايَةِ الْغَيْبَةِ الْكُبْرَى وَحَتَّى الْآنَ لَمْ يَجْمَعْ أَحَدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَا جَمَعَهُ الشَّيْخُ مِنَ الْعِلْمِ وَالزُّهْدِ وَالرِّئَاسَةِ”*^(۹) و شیخ علی کاشف الغطاء می‌گوید: *كُلُّ شَيْءٍ سَمِعْتُهُ اعْظَمُ مِنْ غِيَاثِهِ إِلَّا شَيْخَ مَرْتَضَاكُمْ فَإِنَّ غِيَاثَهُ اعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ*^(۱۰)

ارتباط شیخ مرتضی انصاری با امر بهائی

اسنادی که تاکنون نگارنده این سطور بدان دسترسی پیدا کرده، هیچیک دلالت بر آن نمی‌نماید که شیخ مرتضی انصاری در طول حیات خویش درصدد شناسائی مظهر امر الهی و طلعت بی‌مثال ربّانی برآمده و در این مسئله سعی و اهتمامی نموده باشد ولی آنچه به یقین مبین می‌توان اظهار نمود آن است که شیخ مرتضی با آنکه از احوال و امیال تلمیذ فرزانه خود فاضل قائنی آگاه بوده و قطعاً از آشنائی او با آثار حضرت ربّ اعلیّ نیز اطلاع داشته و معرض لوم لائمین و مخالفت معاندین درباره اعطاء رتبه اجتهاد به مشارالیه واقع گشته بود، هیچگاه در ارتباط با شرع مبین از طریق انصاف و منهج عدل و مروّت عدول ننمود و لسان به تکذیب و تبییح و ذمّ و قرح امرالله نگشود، حتّی در زمینه رساله فاضل قائنی چنین اظهار نظر کرد که من اوراق این رساله را تماماً قرائت نمودم و بر صحت آن شهادت می‌دهم^(۱۱) شاید در مستقبل ایام که مکاتیب متبادله بین شیخ انصاری و فاضل قائنی در دسترس عموم قرار گیرد مطالب جدیده و حقائق مکنونه دیگری آشکار و هویدا گردد که شایان ذکر و انتباه باشد.

یاران الهی البتّه از نقش علماء سوء در تعرّض و تجاسر نسبت به شریعت‌الله و سعی شدید آنان در قلع و قمع شمل مؤمنین و تالان و تاراج اموال ثابتین مطلع و آگاهند و ذکر آن در الواح قدسیّه کثیره وارد گشته و نیازی به بسط و شرح در این وجیزه نبوده و اشاره کوتاهی کفایت می‌نماید. جمال اقدس ابهی در لوح میرزا ابوالفضل چنین می‌فرمایند: *“يَا اِبَا الْفَضْلِ عَلِيَّكَ بَهَائِي حَقَّ آغَاهُ، أَقْتَابُ وَمَاهُ غَوَاهُ، كَمَا سُلْطَانُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَمَالِكٌ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ فِي آيَامِي كَمَا مِنْ سَطْوَتِ ظَلَمٍ، أَرْكَانُ عَالَمٍ مَرْتَعِدُ وَبَنِيَانُ عَدْلٍ وَانصَافٍ مُتَزَعِّعٌ، كُلُّ رَأْسٍ مِنْ غَيْرِ سِتْرٍ وَحِجَابٍ بِه حَقٌّ جَلٌّ جَلَالُهُ دَعْوَتُ نَمُودُ وَلَكِنْ جِزَاءُ اَعْمَالٍ، عِلْمَايَ اِيرَانَ رَأْسًا*

افق رحمن منع نمود و محروم ساخت و اعراض علمای جاهل سبب و علت اعراض عباد آن دیار گشت. (۱۲)

لسان قدم رفتار و کردار شیخ مرتضی را با پیروان شریعت سمحاء، ناروا ندانسته و بیان می‌فرمایند که او خود را از شناسائی آفتاب حقیقت محروم ساخت و زحمات چندین ساله‌اش بی‌فایده ماند. قوله تبارک و تعالی "اگر چه فی الحقیقه به افق اعلیٰ ناظر بود و از نور محبت اثری در او ظاهر و لکن موفق به عرفان نشد و زحمت‌های هفتاد ساله بر باد رفت." (۱۳)

حضرت عبدالبهاء نیز درباره او چنین می‌فرمایند، قوله الاحلی: "سید محمد برادر میرزا علیمحمد مشهور که از مشاهیر مجتهدین بود از کربلا به بغداد آمد و در خانه حاجی جعفر دولت آبادی منزل کرد. حاجی جعفر و برادرش حاجی خلیل دولت آبادی از اعداء امر بودند. سید محمد مزبور میرزا حسن گل گلاب را که از احباب و برادر عبدالمجید مرحوم بود دید و در خواست تحصیل اجازه تشرّف از حضور مبارک نمود که خفياً مشرف شود. اجازه فرمودند مشرف شد و سؤالاتی کرد جواب شنید مؤمن شد و تا سحر مشرف بود. چون برگشت حاجی جعفر را در انتظار دید از او سؤال کردند که کجا بودی وقایع را گفت همه استیحا ش کردند که آقا سید محمد صبح رفت به کاظمین و از آنجا به کربلا و نجف. در مجلس درس شیخ مرتضی رفت. شیخ که عموماً به سادات احترام می‌کرد سید محمد را بالا دست خود نشانید. سید محمد در حضور شیخ و طلاب شرح تشرّف خود را به حضور مبارک گفت. طلاب ملامت کردند که آقا شما هم بابی شده‌اید. شیخ مرتضای مرحوم به طلاب تغیر کرد و از سید درخواست کرد که مطلب خود را بگوید. سید گفت با وجود این هیجان نمی‌گویم و بعد در هر کجا نشست گفت. بعد فرمودند "مرحوم شیخ مرتضی ابداً تعرّض به این امر نکرد و کلمه ضدّ این امر بر زبان نراند. همیشه می‌گفت که من تجسّس باید بکنم هنوز تجسّس نکرده‌ام هر کس باید بنفسه تجسّس کند" باری این صحبت مختصر آقا سید محمد در محضر شیخ مرتضی سبب انتباه آقا میرزا علی نقی مجتهد سمنانی شد. میرزا علی نقی به تجسّس افتاد، از نجف مخصوص برخاست و به بغداد آمد، به حضور مبارک مشرف شد، مؤمن و موقن شد، ثابت و مستقیم شد، هر شبهه داشت عرض کرد و جواب شنید، مراجعت به نجف کرد و یکسر به منزل آقا شیخ مرتضی رفت و می‌دانید که شیخ مرتضی مقتدای پنجاه میلیون شیعیان بود، رئیس کل بود، از قضایای اتفاقی شیخ ناخوش بود و در بستر خوابیده بود... به شیخ گفت، مختصر این است، جناب شیخ من رفتم بغداد و به حضور ایشان مشرف شدم و حجّت بر من بالغ شد و به شما عرض می‌کنم واجبست بر شما فوراً تحقیق این امر بکنید. شیخ در جواب گفت بلی من خیلی آرزو دارم که در توحید کار کنم ولی مجال نمی‌یابم انشاءالله مجال خواهم یافت و در توحید کار خواهم کرد. به این عنوان توحید گفت. میرزا علی نقی گفت: جناب شیخ معلوم شد که تا بحال از توحید خبر نداشتند. بسیار خندید، لکن در آن ناخوشی فوت شد. خدا رحمتش کند بسیار شخص با انصافی بود. مرکزش مهم بود چنین شخصی در چنین مرکزی چنین انصاف دهد خیلی است." (۱۴)

شیخ مرتضی و بحث اصولی

از آنجا که از بدایت اسلام تنصیص قوانین بر اساس احکام نازله در کتاب الله تنظیم یافته است لذا مطالعه قرآن مجید از جنبه آگاهی بر حدود و رسوم دین و مسائل دنیوی و اخروی مورد توجه اهل دانش و بینش قرار گرفت. نفوسی چند در این سیل سعی بلیغ میزول داشتند و فقیه نامیده شدند. روال بحث و مطالعه در بین اهل تشیع مبتنی بر آن شد که اگر انسان با واقعه‌ای از وقایع روبرو گردید و نیاز به شناسائی احکام الهی درباره آن مسائل پیدا نمود باید به خیراء و فقهاء دین مراجعه نماید تا از چگونگی مسائل و حلال و حرام اعمال آگاه شود. این روال مبتنی بر کلام رسول الله است که در غدیر خم لشکریان اسلام را جمع نمود و اعلام فرمود که "الیوم اثنی تارک فیکم کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بهما کن تفلکوا بعدی آتید" (۱۵) بر کل واضح و میرهن بود که مقصود پیغمبر از کتاب، کتاب الله قرآن مجید است و از عترت، عائله مبارکه می‌باشد. پس از رحلت رسول اکرم، کتاب الله تدوین و نزد جمیع مسلمین منتشر گردید ولی مسئله عترت به علل شتی که بحث آن خارج از موضوع این مقال است مورد اتفاق همگان واقع نشد و اهل تشیع به علی بن ابیطالب گرویدند و اهل تسنن تبعیت از خلفای راشدین را اختیار نمودند.

ائمہ اطهار که عترت پیغمبر خدا را تشکیل می‌دادند اکثراً یا به دست دشمنان کشته و نابود شدند و یا آنکه طول حیات را در گوشه زندان بسر بردند و تا آنجا که ممکن و میسر بود به شرح و بسط احکام دین قیام و اقدام نمودند و اصول را بیان داشتند و توضیح و تشریح فروع را به علماء و فقهاء واگذار کردند. امام جعفر صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید "انما علینا ان تلقی الیکم الاصول و علیکم ان تقرعوا" (۱۶) و حضرت امام رضا بیانی به همین مضمون دارد که می‌فرماید "علینا القاء الاصول و علیکم التفریع" (۱۷) و بالمال باب تألیف کتب و تصنیف رسائل در اصول و کلیات دین گشوده شد تا مواضع فرعیّه روشن و معلوم گردد.

بدایتاً علی بن بابویه، پدر صدوق، متوفی ۳۲۹ هجری کتاب خود را به نام "الشرائع" تألیف نمود و پس از او شیخ صدوق، متوفی به سال ۳۸۱ هجری کتاب "المقنع" را نوشت و سپس شیخ مفید متوفی ۴۱۳ "المقنعة" را به رشته تحریر درآورد و بالاخره شیخ طوسی شاگرد شیخ مفید و متوفی در ۴۶۰ هجری کتاب "النهاية" را تدوین نمود. این مجموعه که به کتب اربعه (چهارگانه) معروف است و حاوی اولین اقدام در راه تدوین احادیث مرویه از رسول اکرم و ائمہ اطهار بشمار می‌آید بزرگترین راهنما از برای علماء و فقهاء و قضات و حکام شیعه قرار گرفت و هسته مرکزی تقنین و تحکیم را تشکیل داد. با آنکه محتوای کتب اربعه تماماً بر مبنای احادیث و اخبار مرویه تنظیم یافته بود، فقهاء و حکماء در عمل با مسائل فرعی بسیاری که در کتب اربعه مذکور نگردیده بود مواجه شدند که راهی به جز ابداء رأی شخصی برای آنان باقی نمی‌گذاشت. اندک اندک با کثرت مسائل متشابه و غیرمتشابه، نظریات و آراء مختلفه توسط حکام و قضات در پهنه عالم تشیع صادر شد و مورد تنفیذ قرار گرفت و کار تقنین و تحکیم را بسیار صعب و دشوار ساخت. رکن اساسی و محور

اصلی عدم توازن و تواحد در صدور قوانین، فهم و ادراکات متفاوتة شخصیه‌ای بود که فقها از احادیث و اخبار مرویه استنباط می‌نمودند.

در طی قرون گذشته برخی از افاضل و اکابر علماء و فقها سعی و کوشش نمودند تا راهی از برای ایجاد وحدت و یگانگی در این مسیر بیان‌دیشند ولی توفیق یار و نصیبشان نگردید تا آنکه اصولیون پا به میان نهادند و سمنند همت بتاختند و در این بین شیخ مرتضی انصاری از همگان پیشی گرفت و با تدوین "فرائد الاصول" و "مکاسب" این عمل مبرور را انجام داد و جامعه شیعه جهان را ممنون و سپاسگزار خود ساخت.

تالیفات گوناگون شیخ مرتضی

یکی از ثنونات خاصه و ممیزات قیمه شیخ مرتضی آن بود که در سبک نگارش خویش جنبه شرح و بسط اصولی را مد نظر قرار می‌داد و بالمآل از مجازفه (۱۸) و تطویل در کلام استکاف می‌ورزید. اکثر تالیفات او مشتمل بر نقل صحیح و متقن اظهارات و بیانات علمای سلف می‌باشد که شیخ مرتضی آن مواضع را با موازینی دقیق و منظم تدوین نموده و به صورت جدیدی ثبت و ضبط کرده است که شباهت تام به تالیف دائره‌المعارف دارد. شواهد بارزی از این رویه در کتابهایش به نام "فرائد الاصول" معروف به رسائل و "مکاسب" که به متاجر نیز معروف است روشن و نمایان می‌باشد و چنان مورد توجه و علاقه علماء و فقهاء قرار گرفته که سالهاست در ردیف کتب رسمی در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود. بسیاری از فقها در تعریف کتاب مکاسب می‌گویند "هر کس به نظرات دقیق شیخ در کتاب مکاسب آگاهی یابد، مجتهد است".

شیخ مرتضی همچنین به تحریر و تقریر تعدادی کتب حواشی پرداخته است که شامل مسائل دقیق علمی و فقهی است که بعضی چاپ و منتشر شده و برخی تاکنون به طبع نرسیده است. شیخ مرتضی در جمیع تالیفاتش دقت تام را رعایت نموده و مطالبی را که مذکور داشته عمیقاً مورد مطالعه قرار داده به شأنی که جای هیچگونه شک و تردیدی باقی نگذاشته است. شواهد بسیاری از توصیف و تعریف و تمجید علماء و فقهاء در تمعن و دقت نظر شیخ انصاری در تالیفات و نوشتجاتش موجود است از جمله ملا احمد نراقی در ستایش از حدت بصر و شدت دقت و نظر و رشاقت او فر او چنین می‌نگارد: "كَانَ مَنَّ جَدُّ فِي الطَّلَبِ وَ بَدَلَ الْجَهْدِ فِي الْمَطْلَبِ وَ نَازَ بِالْحِظِّ الْاَوْقَرِ الْاَسْنَى وَ حَظِيَ بِالنَّصِيبِ الْمُتَكَاتِرِ الْاِهْنَاءِ مِنْ ذَهْنٍ نَاقِبٍ وَ فُهُم صَائِبٍ وَ تَحْقِيقِ دَقِيقٍ وَ دَرَكِ غَائِرِ رَشِيقٍ..." (۱۹)

ناگفته نماند که نزد علماء اسلام، "حواشی" که جمع کلمه "حاشیه" است همان مفهوم "تعلیقه" را در بر دارد که مشتمل بر ذکر نظریات و آراء و افکار مؤلف در مسائل مختلفه مورد بحث است. به منظور آشنائی بیشتری با تالیفات شیخ مرتضی کتب و رسائل وی را علی‌العموم به دو دسته تقسیم می‌نمائیم، الف: مؤلفات فقهی، ب: مؤلفات اصولی. مؤلفات فقهی شیخ مرتضی مشتمل بر مواضع فقهی از قبیل صوم، صلات، خمس، زکات، حج، ارث، ازدواج و طلاق، طهارت، نجاست، تجارت و غیره می‌باشد. مؤلفات اصولی شیخ اغلب درباره مسائل عمومی و اصولی دین و قوانین آن و تعلیقات متعدد او درباره کتابهای دیگران تدوین یافته است.

وفات شیخ مرتضی و محل دفن او

شیخ مرتضی در اواخر دوران حیات در اثر کثرت مشاغل و غوائل و سعی و کوشش مداوم و عدم التفات به کبر سن و اشتغال شبانه‌روزی به امور دین و تدریس و تألیف و قیادت و هدایت شیعیان جهان، صحت و سلامتش رو به نقصان نهاد و اواخر شیخوخیت استیلاء یافت. خزان عمر به شتا تبدیل شد و بالاخره در یوم ۱۸ جمادی الثانی سال ۱۲۸۱ قمری پس از آنکه در حدود هفتاد بهار از زندگی پرارج و بهایش گذشته بود بدرود حیات گفت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. شیخ محمد علی یکی از زملاء و محبین صادقش در رئائش چنین سروده:

لَوْ لَمْ يَكُنْ سَلْمَانُ حَيْرٌ زَاهِدٌ
مِنْ الصَّلَاحِ وَجْهَهُ كَأَنَّهُ
مَنْ الْمُعَزَّى أَحْمَدًا بِالْمُرْتَضَى
لَقُلْتُ سَلْمَانٌ بَرُّهُدَى
وَجْهَ الصَّبَاحِ بِهَجَّةٍ إِذَا بَدَى
بِالْمُرْتَضَى مِنَ الْمُعَزَّى أَحْمَدًا

حواشی و تعلیقات دربارهٔ رسائل شیخ مرتضی

روال این مقال بر اختصار و ایجاز نهاده شده لذا امکان آن نیست که حتی صورتی مشتمل بر عناوین کتب یا رسائل یا حواشی و تعلیقات و اسامی مؤلفین آنان را در این سطور ارائه نمود. کافست که متذکر گردیم در مجموعهٔ مجلّذات الذریعة تألیف فاضل جلیل آقا بزرگ طهرانی، چاپ دارالفنون، بیروت، صحبت از نگارش بیش از ۶۶ مجلّد حواشی مختلفه فقط بر کتاب رسائل شیخ به میان آمده است. تو خود حدیث مفصّل بخوان از این مجمل. باری جدولی از حواشی و تعلیقات مذکوره در جزء‌های دوّم و ششم و دوازدهم و بیست و دوّم از کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة که در بالا بدان اشاره رفت یافت می‌شود. از جمله نفوسی که به تحریر حاشیه بر مؤلفات شیخ مرتضی پرداخته‌اند ابوالقاسم خونساری، شیخ احمد سلطان‌آبادی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی، ملا علی خوئی، سید مهدی طباطبائی معروف به سید مهدی حکیم و غیرهم می‌باشند.

مرجعیت شیعه بعد از وفات شیخ مرتضی

شیخ مرتضی در دوران زندگانی همواره جانب احتیاط را رعایت می‌نمود. در امور دین بسیار منزه و در صدور حکم و فتوی، فوق العاده دقیق و متقن و سختگیر بود. گویند شیخ محمد حسن صاحب الجواهر که مرجع اهل تشیّع جهان بود در انتهای حیات تصمیم گرفت که من بعده را معین نماید و نظر خویش را نسبت به آینده روشن و واضح کند و لذا از جمیع علماء حوزهٔ علمیّه دعوت به عمل آورد که در منزل او اجتماع نمایند و وقتی شیخ مرتضی نیز حضور یافت از او دعوت نمود که نزدش جالس شود. آنگاه دست خود را بر قلب شیخ مرتضی گذاشت و اعلان نمود که پس از وفات من، اوست مرجع شما و سپس رو به شیخ مرتضی کرده بیان داشت "قُلِّلَ مِنْ احتیاطکَ فَانَّ الشَّرِيعَةَ سَمَحَةٌ" (۲۰) چنین بود مراتب شدت دقت و وفور تمعّن و تأمل شیخ مرتضی.

اما نسبت به آینده و انتخاب یا انتصاب مرجعیّت جهانی عالم تشیّع، شیخ مرتضی هیچگاه نام فردی را به زبان نیاورد و رویهٔ متبوعهٔ خود مبنی بر اینکه عالم اعلم و امثل باید

توسط علمای زمان برگزیده گردد را دنبال نمود ولی در اواخر حیات گهگاه در مجلس درس رشته کلام را به میرزای مجدّد می‌سپرد و بیانات او را به دقت گوش می‌داد و به کسی اجازه نمی‌داد که قبل از میرزا، به بیان مطلبی سخن بگشاید.

شیخ مرتضی در دوران زندگانی علی‌الاصول به تعداد بسیار محدودی اجازه اجتهاد داد و معروف است که فقط سه نفر از شاگردان به کسب اجازه اجتهاد از وی ممتاز شدند که عبارتند از میرزای مجدّد شیرازی، سید حسین کوه‌کمری ملقب به ترک که قبل از وفات شیخ مرتضی در سفر حج مکه در بین راه وفات یافت و همچنین ملامحمد فاضل قائمی که حالیه نامش در اسناد رسمی حوزه علمیه به چشم نمی‌خورد ولیکن باید اذعان نمود که افراد دیگری نیز حائز این اجازه شده‌اند از قبیل مدرس چهاردهی و میرزا محمد باقر اسکوئی و حاج ملایعقوب و غیره. میرزا محمد اسکوئی اجازه از شیخ مرتضی و میرزا حسن گوهر بدست آورد و مدت مدیدی مرجع تقلید اکثر اهالی عراق عرب و سواحل خلیج فارس و بلاد ایران و قفقاز و ترکستان و قسمت اعظم آذربایجان مخصوصاً تبریز و اسکو واقع شد. حاج ملا یعقوب برادر شریعتمدار بود و صاحب تقوی و اجازه از شیخ مرتضی بود. ممکن است نفوس دیگری نیز باشند که نامشان مذکور نگشته ولی نگارنده این اوراق تاکنون نتوانسته است صورت کاملی که مورد تأیید جمیع باشد از این اسامی بدست آورد.

بعد از وفات شیخ مرتضی، قاطبه علماء میرزا را به مقام مرجعیت عالم تشییع برگزیدند. (۲۱)

یادداشتها:

- ۱- تعداد القاب دیگری از قبیل علامه و استاد اعظم نیز ذکر گردیده است.
- ۲- صحابه رسول اکرم شامل مؤمنین صدر اسلام است که در دوران زندگانی پیغمبر گرامی به حضور مبارکش مشرف می‌شدند و کسب فیض می‌نمودند. شیعیان معتقدند که جابر بن عبداللّه الانصاری لوح معروف فاطمه را در دست فاطمه زهراء دیده و متن آن را زیارت نموده است. لوح فاطمه این چنین آغاز می‌گردد "بسم الله الرحمن الرحيم هذا كتاب من الله العزيز الحكيم لمحمد نبيه ونوره وسقيره وحجابه و دليله نزل به الروح الامين من عند رب العالمين". رجوع کنید به شرح مفصلی که مرحوم اشراق خاوری از *تفه الاسلام* کلینی در کتاب قاموس ايقان جلد سوم ص ۱۱۶۷ و ۱۳۵۷ نقل نموده است.
- ۳- ترجمه بیان ملا احمد نراقی - در جمیع سفرهای خود بیش از پنجاه مجتهد کامل را مشاهده نمودم ولکن هیچیک را در عظمت علم و کثرت فضل و بخشندگی و توانائی چون شیخ انصاری نیافتم.
- ۴- ترجمه بیان شیخ موسی کاشف الغطاء - شیخ انصاری نیازی به درس ما ندارد.
- ۵- اگر چه علماء و فقهاء اسلام قبل از شیخ مرتضی انصاری صحبت اعلیّت را به میان کشیده بودند ولکن این مسئله مورد موافقت اکثریت علماء قرار نگرفت. از جمله نفوسی که در این زمینه اظهاراتی نمودند ملاصدرای شیرازی بود که با آنکه مراتب علم و فضل و درایتش مورد تأیید و تصدیق جمعی از

اکابر علماء و فقهاء واقع گشته بود، با اینحال تعداد کثیری از علماء دین با وی به ستیز برخاستند و خواهان فنا و نیستی او شدند.

۶- کتاب الشیخ الانصاری و التطور البحث الاصولی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، صفحه ۴۳.

۷- ایضاً، صفحه ۴۴.

۸- شیخ مرتضی انصاری، کتاب الوسائل حدیث شماره ۲۰ جلد ۱۸ ص ۹۴.

ترجمه حدیث: اگر از بین فقهاء شخصی بر نفس خود غلبه نماید و دینش را محافظت کند و به مخالفت هوای نفسانی برخیزد و به اطاعت امر مولایش قیام نماید، عموم باید به تقلید او پردازند.

۹- کتاب الشیخ الانصاری و التطور الاصولی، ص ۶۳، ترجمه: نمی‌خواهیم بگوئیم که شیخ نظیر و مانندی در پرهیزکاری و دانائی و اداره امور نداشت بلکه پس از غیبت کبری تا به امروز هیچیک از علماء نتوانستند چون شیخ (انصاری) دانائی و پرهیزکاری و اداره امور را با هم جمعاً همراه داشته باشند.

۱۰- ایضاً صفحه ۶۲. ترجمه: مثلی است که گویند وصف هر چیزی از ظاهر آن بهتر و عظیم‌تر است ولی شیخ مرتضای شما ظاهرش اعظم از وصفش می‌باشد.

۱۱- شیخ مرتضی: لقد تصفحت و تبعت و طالعت اوراق هذا الكتاب فعملت لصاحبه فهماً غریباً غایتة الفهم.

۱۲- حضرت بهاء‌الله، کتاب پیام آسمانی جلد دوم، صفحه ۴.

۱۳- بیان جمال اقدس ابهی منقول از کتاب محاضرات تألیف مرحوم عبدالحمید اشراق خاوری صفحه ۹۸۵.

۱۴- بیان حضرت عبدالههء منقول از کتاب محاضرات، صفحه ۹۸۷.

۱۵- ترجمه: من امروز دو شیئی وزین و گرانبها را نزد شما باقی می‌گذارم یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت خود را اگر به این دو متمسک شوید پس از من هرگز گمراه نخواهید شد.

۱۶- شیخ مرتضی انصاری. کتاب الوسائل باب ۶، حدیث ۵۱. ترجمه: برماست که اصول را برای شما نقل نمایم و بر شماست که فروع آن را معلوم کنید.

۱۷- ایضاً، باب ۶، حدیث ۵۲. ترجمه: اصول را ما برای شما می‌گوئیم و شما فروع را باید تعیین کنید.

۱۸- مخاطره-تهور

۱۹- کتاب الشیخ الانصاری صفحه ۶۱. ترجمه: او از افرادی بود که در سبیل وصول به طلب کوشا بود و در تحقیق مطلوب همت می‌گماشت به حظی عظیم نائل گشت. از ذهنی رخشان و فهمی پرتوان برخوردار بود. تحقیقاتش دقیق و ادراکاتش چون دریای خروشان بود.

۲۰- ترجمه: از احتیاطت بگناه، شریعت حق، سهولت و رأفت است.

۲۱- میرزا محمد حسن شیرازی به میرزای مجلد معروف است.